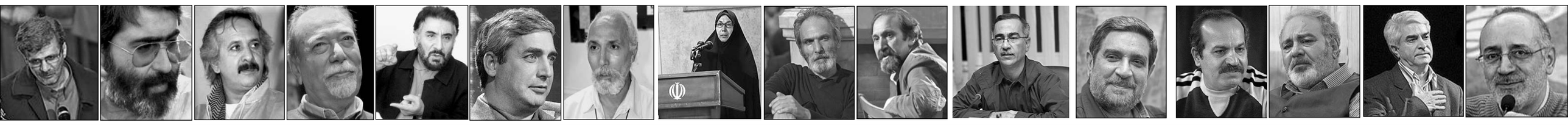

جمال شورجه (فیلمساز) یدالله صمدی (فیلمساز) محمد کاسبی (بازیگر) رسول ملا قلی پور (فیلمساز) شهریار بحرانی (فیلمساز) پرویز شیخ طادی (فیلمساز) داود میرباقری (فیلمساز) جهانگیر الماسی (بازیگر) پروانه معصومی (بازیگر) امیر قویدل (فیلمساز) ابراهیم حاتمی کیا (فیلمساز) سلحشور (فیلمساز) علی نصیریان (بازیگر) مجید مجیدی (فیلمساز) شهید آوینی (فیلمساز) جواد اردکانی (فیلمساز)

نگاهی به سریال‌های نوروزی سیما

پیروزی پایتخت ایرانی

■ آرش فهیم

برنامه‌های سیما در نوروز۹۳ بر محور شیوه‌های امتحان پس داده ساخته و پرداخته شدند. روش‌هایی که بتوانند در حداقل زمان ممکن و با صرف کمترین میزان سرمایه به نزدیک ترین و ساده ترین نتیجه ممکن منجر می‌شـوند. تکـرار و بازتولید برخی از برنامه ها نتیجه دل نشینی داشت (مثل پایتخت و تا حدودی کلاه قرمزی) در برخی موارد هم محصول قابل تأملی به بار نیامد. مثل برنامه‌های تحویل سال نو که عمدتا با ستاره سالاری و ظاهرگرایی پر شدند. دعوت از چهره‌های مشهور عالم سینما و موسیقی و گفت وگو با آن ها دیگر خیلی نخ نما شده است. این برنامه و به طور کلی، تلویزیون ما امروز، بیش از هر چیزی تشـنه خلاقیت و نوآوری بومی محور است. چیزی که تا حدودی در برخی از سریال‌های این مناسبت دیده شد.

سریال‌های سیما در نوروز امسال، عمدتا حول چند محور محتوایی ثابت شکل گرفتند؛ مضامینی چـون دفاع از نظام خانـواده و تحکیم روابط میان خویشـاوندان، بیان مشکلات معیشتی مردم بدون افتادن در پرتگاه اغراق گرایی و سیاه نمایی، بازنمایی آداب و نشـانه‌های فرهنگ بومی (مثل استفاده از موسـیقی محلی در تیتراژ اغلب سریال ها)، تکیه بـر امید برای غلبه بر بحـران ها و القای پیام‌هایی دربـاره مسـائل روز جامعه (مثل لـزوم انصراف از دریافت یارانه) در سریال‌های عید امسال به وضوح دیده می‌شد.

سـریال «پایتخت ۳» علاوه بر برخورداری از همه این شـاخصه ها، یک ویژگی ممتاز و متمایز دیگر هم دارد؛ قهرمان سـازی. یکی از مشـکلات سـینمای ما طی ۱۶ سـال اخیر، بـی توجهی به قهرمان پـردازی در آثار بوده اسـت. از مهمترین عوامل مخاطب گریزی سینمای ما هم همین فقدان قهرمان بوده است. این درحالی است که حلقه رابط میان عامه مردم و آثار سـینمایی، شـخصیت‌های قهرمان منش هسـتند. مـردم معمولا نام فیلم ها را بیش از آنکه با نام کارگردان هایشـان بشناسند، به اسم قهرمان ها به یاد می‌سپارند. عامل و محور اصلی سرپا ماندن هالیوود، به تصویر کشیدن اسطوره ها و قهرمان‌های خیالی و قلابی بوده اسـت. سـریال «پایتخت ۳» هم یک أثر قهرمان محور است. منتها این بار به جای اینکه شخصیت‌های خارق العاده و یا اسطوره‌های ملی و افسانه‌ای مایه قهرمان پردازی باشند، این مردم عادی و معمولی هستند که به حد قهرمانی می‌رسند. مثل نقی که در طبقه فرودست جامعه زیسـت می‌کند و حتی هنوز خانه و سـقف بسامانی ندارد. او همچون نام خانوادگی اش، معمولی است، اما همین آدم با یافتن روزنه‌ای برای شکوفایی خود، تبدیل به یک قهرمان ملی می‌شود. این بار البته با حضور در مسـابقات کشتی پیشکسوت ها. حتی بهبود فریبا هم که یک محیط بان سـاده اسـت، به خاطر ایستادگی در برابر مرگ محیط زیست، برای خودش اسطوره‌ای می‌شود. این یک مفهوم متعالی و انقلابی اسـت؛ همه مردم این سـرزمین، قهرمان هستند. حتی معمولی ترین آدم ها هم!

امر متداول این اسـت که فیلم ها، یا سریال ها وقتی تداوم می‌یابند و کارشـان به سری‌های دوم، سوم و ... می‌کشد، افت می‌کنند و تکراری می‌شوند. اما «پایتخت» از این قاعده مستثنی است. چون هر سری آن نسبت به قبلی قشنگ‌تر و دیدنی‌تر است. سری دوم از اول مهم تر بود و «پایتخت ۳» هم نسبت به دو سری قبلی با طراوت‌تر است. دلیل این تازگی یکی اش به برآمدن روایت و داستان سریال از متن مردم و ارتزاقش از فرهنگ بومی بر می‌گردد. آدم ها و اتفاقات این سریال، همه برای ما ملموس هستند. این است که حتی آن‌هایی هم که اهل تماشای تلویزیون نیسـتند -به هر دلیلی- به محض دیدن یا شنیدن پخش تیتراژ شـروع «پایتخت» از هر کاری دست می‌کشیدند و پای تلویزیون می‌نشستند.

نکته جالب این اسـت که در سریال «پایتخت ۳» حتی آنجاکه کار به شـعار و حرف می‌کشـد بار درام افت نمی‌کند. اتفاقا یکی از تکان دهنده ترین و تأثیرگذارترین سکانس‌های این سریال جایی است که بهبود پشـت تریبون مراسم رونمایی از پیراهن تیم ملی می‌رود و شروع به سخنرانی می‌کند؛ «من بهبود فریبا هسـتم، ماهی ۸۵۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم و ...»

با این حال، نمی‌توان از برخی ضعف‌های آشکار «پایتخت ۳» هم گذشـت. مثل حجم بسـیار زیاد پیام‌های بازرگانی و تبلیغاتی که بدجوری توی ذوق می‌زنند.ای کاش تصاویر اسپانسرهای سریال این همه وسط نبودند و لااقل تدبیری اندیشیده می‌شد تا این تصاویر تبلیغاتی کمی از جلوی چشم بیننده کنار زده می‌شـدند تا هم مخاطب راضی می‌شد و هم هزینه تولید سـریال تأمین! حتی ابلاغ پیام رئیس جمهور دربـاره انصراف از دریافت یارانـه هم به «تبلیغاتی ترین» شکل ممکن روی صدای خانم چانگ پخش شد! از این ها گذشته، این سریال، تمرکز مضمونی و موضوعی ندارد و هر دم به یک چیزی می‌پردازد.

از تقبیح تکبر گرفته تا تحسـین محیط زیسـت و تبلیغ فلان چیز دگر!

سریال «روزهای بد به در» هم با توجه به شرایط (بودجه ناکافی و فرصت محـدود تولید برنامه‌های مناسبتی) نمره قبولی می‌گیرد. سریالی که به یک کمدی اجتماعی و خانوادگی شـریف و دردمند، به شدت نزدیک و شبیه بود. با این حال، به نظر می‌رسد که شتاب زدگی، مانع از تکمیل پروژه جدید «سعید آقاخانی» به مثابه یک أثر هنری ماندگار شد. او، حالا دیگر به یک سـریال ساز با تجربه تبدیل شده است و همه منتظراند تا قابلیت‌های خود را در این عرصه بیـش از پیش نشـان داده و کارهای بزرگی انجام دهد. تسلط بر ابزار کمدی، توانایی خلق شوخی‌های سالم و پاکیزه و همچنین مماس بودن نگاه و ذائقه فیلمسازی اش با جامعه، امتیازات شیوه فیلمسازی آقاخانی هستند. خوشبختانه، وی نگاه متکبرانه‌ای به عامه مردم ندارد و این در آثارش به خوبی هویداست. همچنـان که «روزهای بد بـه در» به حال و هوا و زندگی روزمره مردم و به ویژه طبقات محروم جامعه نزدیک بود. با این حال، هیچ یک از کاراکترها عمق نیافته و در سـطح تیپ‌هایـی که قبلا در آثار طنز دیگر هم دیده شده بودند باقی مانده اند. مثلا آنچه از هومن برق نورد، مهران رجبی، مریم امیرجلالی و محمدرضا شیرخانلو در این سریال دیدیم، شباهت زیادی به کارهای اخیر آن ها داشت. اما ساختار ساده و بی پیرایه سریال (هم فیلمنامه نوشته شده توسط برزو نیک نژاد و هم کارگردانی آقاخانی) باعث شد تا نقاط ضعف آن کمتر به چشم بیایند و آنچه در ذهن و دل مخاطب باقی ماند، شکست دادن مشکلات و بدی ها بـا اتحاد و همدلی آدم هـا و اعضای خانواده بود. از همه مهم تر، نمایش رنج‌های اقشار فرودست جامعه، بدون افتادن در پرتگاه نق و سیاه نمایی و «مأیوس بازی» اسـت. هرچقدر آن ها قبیح و زشت هستند، «انتقاد اجتماعی دلسـوزانه» زیبا و ستایش برانگیز اسـت. جای شکرش باقی اسـت که ادا و اطوارهای شبه روشنفکرانه‌ای که در سینمای ما تبدیل به مد روز شده و همچون افیونی دل و دماغ آن را سست می‌کند، هنوز به سـیمای ما راه نیافته و همان بهتر که هیچ گاه راه نیابد!

اما در این میان، «خوب، بد، زشـت» هم سعی داشت تا تصویری متفاوت و مثبتی را از سنت ها و زندگی خانوادگی نمایش دهد. اما مشکل اصلی کار آنجا بود که بیشـتر از نمایش، حرف داشـت. یعنی ما دائم با سـخنرانی ها و پند و اندرزهای کاراکترها مواجه بودیم. این سـریال بـه کارگردانی منوچهر هادی بیشـتر سعی داشت تا مشکلات خانواده‌های امروزی را از ابعاد و جنبه‌های گوناگون بررسی کند. ویژگی مثبت سریال «خوب، بد، زشت» همین توجه به ارزش‌های خانوادگی و به ویژه ازدواج است. خب، این خیلی خوب است که در این أثر، راه حل مشکلات جوانان را نه مهاجرت به خارج از کشور و رفتارهای شـورش مآبانه، که بازگشت به سنت ها و اخلاق و پناه گرفتن در خانواده معرفی می‌کند. اگر «خوب، بد، زشت» پیام‌های مثبت محتوایی خود را در قالب درام و نمایش به خورد مخاطب می‌داد، بدون تردید بیشتر در دل مخاطب راه می‌یافت و ماندگارتر می‌شد. مهجورترین سریال سیما در نوروز امسال «ما فرشته نیستیم» بود. از این نظر که چندان جلب توجه نکرد و آنچنان که از یک ویژه برنامه برخوردار از پخش در مناسـبت نوروز، آن هم در ساعات پر بیننده انتظار می‌رود، دیده نشد. کار جدید کارگردان این سریال، خانم فلورا سام که به واسطه تعداد زیاد سریال‌هایی که طی دو سه سال اخیر ساخته، حالا دیگر می‌توان او را با تجربه قلمداد کرد نیز مانند بقیه سریال‌های رقیب، پیام محور اسـت و قرار بـر این بوده که در قالب روایتی طنز آمیز به مسائل فرهنگی و اجتماعی بپـردازد؛ همـه آدم ها در زندگی خـود خطاهایی را مرتکب می‌شـوند، اما راه بازگشـت دوباره به راه درست باز است. بازیگران مطرح و پرآوازه‌ای هم در آن خودنمایی کردند. اما واقعیت این است که با این داستان نه چندان پرجاذبه و کمدی کلامی بی رمق و نه چندان خلاقانه، نمی‌توان انتظار موفقیتی را داشت.

*** سریال «پایتخت ۳» هم یک أثر قهرمان محور است. منتها این بار به جای اینکه شخصیت‌های خارق العاده و یا اسطوره‌های ملی و افسانه‌ای مایه قهرمان پردازی باشند، این مردم عادی و معمولی هستند که به حد قهرمانی می‌رسند.**

رویدادها

یک گام دیگر برای جشنواره فیلم بسیج

جشنواره فیلم بسیج در مراحل نهایی خود به سـر برده و تنهـا داوری نهایی آثار باقی مانده است.

جمال شورجه در گفت وگو با سیمرغ گفت: جشنواره فیلم کوتاه بسیج که هر دو سال یک بار برگزار می‌شـود امسال چهارمین دوره خود را در ۴ بخش مستند، داستانی، پویانمایی و انیمیشین برگزار خواهد کرد.

دبیر جشنواره فیلم کوتاه بسیج بیان داشت: روند برگزاری این جشـنواره به این ترتیب است که دفاتر بسیج در مراکز استان‌ها از فیلمسازانی که اهداف همسـو دارند دعـوت می‌کند تا برای شرکت در این جشنواره، فیلم‌های خود را به دفاتر بسیج ارسال کنند.

وی در پایـان اظهار داشـت: در حال حاضر فیلمسـازان در مراکز استان‌ها فیلم‌های خود را به دفاتر بسیج فرستاده‌اند و فیلم‌های برتر نیز به دفتر تهران رسیده است و تنها بخش داوری نهایی برگزاری جشنواره باقی مانده است.

تولید فیلم‌های مستند و داستانی با موضوع اقتصاد مقاومتی

یک مستندساز معتقد است: فیلمسازان باید در راستای منویات رهبری فیلم بسازند، تولید فیلم‌های مستند و داستانی با موضوع اقتصاد مقاومتی از وظایف ما است.

سـلیم غفوری، مدیر بخش مستندسـازی سـازمان هنـری- رسـانه‌ای اوج در گفت‌وگو با تسـنیم گفت: اولویت‌هایی که ما برای سال ۹۳ باید در نظر بگیرم برگرفته از اولویت‌هایی اسـت که رهبر انقلاب در خلال صحبت‌هایشـان بر آن تاکید داشتند. اگر دقت نظری در فرمایشات مقام معظم رهبری داشته باشیم، می‌بینیم در ماه‌های گذشته اقتصاد مقاومتی یکی از موضوعات مهمی بود که بارها مورد تاکید ایشـان قرار گرفت. وی افزود: تولید فیلم‌های مستند و داستانی با موضوع اقتصاد مقاومتی از وظایف ما اسـت. باید در آثار خود به این موضوع بپردازیم که وظیفه ما، جامعه و قشرهای خاص در این باره چیست. متاسفانه در سال‌های گذشته این موضوع خیلی مغفول مانده است. ما در سازمان اوج مستندهایی در این زمینه در دسـت تولید داریم کـه در آینده راجع به آن اطلاع‌رسانی می‌کنیم. البته کارهای جدیدتری هم باید در این زمینه تولید شود. غفوری با اشاره به تفاوت تبلیغات فیلم‌های مسـتند و سینمایی در کشور خاطرنشان کرد: وقتی یک فیلم سینمایی اکران می‌شـود شـاهد ده‌ها تبلیغات شـهری، اینترنتی و تلویزیونی هستیم. این در حالی است که این اتفاق هیچ وقت برای یک فیلم مسـتند نمی‌افتد. ما تاکنون حتـی یک تابلوی تبلیغات شـهری درباره فیلم مستند ندیدیم. در نشریات و روزنامه‌هـا نیـز این گونه اسـت. گاهی اوقات تبلیغات فیلم‌های سـینمایی در یک نیم صفحه چاپ می‌شود در حالی که برای فیلم‌های مستند حتی یک خبر هم زده نمی‌شود.

اکران دانشگاهی شیار ۱۴۳ از اردیبهشت

تهیه‌کننده فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳» از آغاز اکران دانشگاهی این فیلم سینمایی از اول اردیبهشـت در دانشگاه‌های سراسر کشور خبر داد.

محمدحسـین قاسـمی تهیه‌کننـده فیلم سـینمایی «شـیار ۱۴۳» به مهر گفت: به دلیل درخواست‌های بسیاری که از سوی دانشگاه‌های سراسر کشور داشـتیم تصمیم گرفتیم به شکل سازمان‌یافته و به گونه‌ای که به فیلم «شیار ۱۴۳» در اکران عمومی لطمه‌ای وارد نشود، اکران محدود این فیلم را در دانشگاه‌های کشور آغاز کنیم.

وی در ادامه افزود: از همین‌رو در نظر داریم از اول اردیبهشـت تـا پایان همیـن ماه مجموع اکران‌های این فیلم سینمایی را در دانشگاه‌های سراسر کشور به انجام برسانیم.

تهیه‌کننده «شیار ۱۴۳» به کارگردانی نرگس آبیار درباره اکران عمومی این فیلم دفاع‌مقدسی که با استقبال خوبی در جشنواره فیلم فجر روبه‌رو شد، گفت: طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده اکران این فیلم سینمایی در عید فطر یعنی از تاریخ هشتم مرداد آغاز خواهد شـد و تمام تلاشمان در حوزه پخش را به‌کار می‌گیریم که بهترین شرایط برای اکران «شیار ۱۴۳» فراهم شود.

عواقب آنتن فروشی در صداوسیما

■ مهدی امیدی

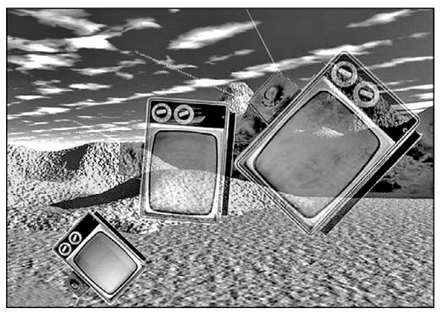

یکی از اتفاقات عجیبی که طی ماهای اخیر در صداوسیما رخ داده است، آنتن فروشی است. مسـئله‌ای که از عواقب گرفتاری رسانه ملی در بحران مالی محسـوب می‌شـود. تولید برنامه مشـارکتی تدبیر جدیدی است که صداوسیما برای بهبود زخم‌های اقتصادی خودش در پیش گرفته است. البته این ترفند از سوی صداوسیما با عنوان تولید برنامه مشارکتی نامگذاری شده اسـت، اما معنای واقعی آن، «آنتن فروشـی» اسـت! به این ترتیب که شـبکه‌های سیما در فواصل برنامه ها یا در متن یک برنامه، بخشـی را در اختیار یک شرکت تولیدی یا تجاری قرار می‌دهند تا محصولات خود را معرفی نماید.

درواقع، این کار هم نوع جدیدی از آگهی و تبلیغ تجاری محسوب می‌شود. با این تفاوت که در شکل مرسوم، تبلیغات در قالب یک مجموعه مجزا و با تیتراژ مشـخصی، قبل، میان و یا در پایان سریال ها و برنامه‌های تلویزیون به نمایش در می‌آیند. اما در شـکل جدید که بهترین نام آن آنتن فروشی است، تبلیغ یک شرکت خاص به صورت یک برنامه مستقل به خورد مخاطب داده می‌شود.

این ترفند، هرچند قسمتی از مشکلات مالی صداوسـیما را مرتفع می‌کند، اما خسارت‌های زیادی را نیز در پی دارد. ازجمله اینکه در حال حاضر بخشی از برنامه‌های سیما تبدیل به ملک طلق موسسات بازرگانی و کارخانه ها و یا حتی شرکت‌های انبوه ساز مسکن و ویلا شده است! آیا واقعا این وضعیت در شأن صداوسیمایی که «دانشگاه عمومی» خوانده می‌شود هست؟

خسارت دیگر «آنتن فروشی» اتلاف وقت بینندگان سیماست. چون اغلب این برنامه‌های تبلیغاتی در بهترین سـاعات شـبانه روز روی آنتن می‌روند و بخشـی از زمان پخش آن ها با هنگامه نمایش یک سریال تداخل پیدا می‌کند و مردم مجبور هستند که نمایش این تصاویر را تحمل کنند تا نوبت به برنامه مدنظرشان برسد. حتما مدیران محترم رسانه ملی می‌دانند، مالک اصلی صداوسـیما، همه ملت ایران هستند و نه صاحبان ثروت و سـرمایه دارها. حتی تحمیل پیام‌هـای بازرگانـی هم با نگاه آرمـان گرایانه و انقلابـی پذیرفته نیسـت چه رسـد به اینکه بهترین ساعات زندگی مردم در اختیار بنگاه‌های اقتصادی قرار گیرد.

متعاقب چنین مسئله‌ای، اعتماد مخاطب نیز به سیما کاهش می‌یابد. به ویژه اینکه آیتم‌های مذکور، در پایین ترین سطح هنری و رسانه‌ای ممکن تهیه و ترسـیم می‌شـوند و نامی به جز بی احترامی به مخاطـب نمی‌توان روی آن ها گذاشت. در نتیجه تداوم چنین مسیری، بیننده دچار دلزدگی شده و ریزش روز افزون مخاطب را در پی خواهد داشت.

در نتیجه، رسانه ملی در برخورد با کمبود بودجه، سیاست متضادی را در پی گرفته است؛ از یک طرف و با هدف پیروزی بر رقبای بیگانه در حال افزایش شـبکه‌های خودش اسـت و از طرف دیگر بـرای جبران هزینه راه اندازی این شـبکه ها به آنتن فروشی روی آورده که باعث نزول کیفیت فضای رسـانه‌ای سـیما و ریزش مخاطب می‌شود آورده است. باید منتظر ماند و دید که صداوسیما تا کی این سیکل معیوب را ادامه خواهد داد؟

نگاهی به فیلم سینمایی «آزاد راه» اثر عباس رافعی

وقتی طلبگی تنها دستاویزی می‌شود برای پیشبرد فیلمنامه‌ای ضعیف!

■ محمد قمی

محوریـت یافتن یـک طلبـه در فیلم سـینمایی «آزادراه» تنها دستاویزی است بـرای حرکـت دادن بـه یک ماشـین کند که با فیلمنامه‌ای بنجل تلاش کرده اسـت جـاده صاف کن فیلم بدریتم و کشـدارش باشـد!چرا؟ در ادامه به این سـوال پاسـخ خواهیـم داد و نیز بـه اینکه چرا یک فیلم کـه باظاهر دفـاع از روحانیـت و کاوش در روحیات یک طلبه ساخته می‌شود، به یک خیانت منجر می‌گردد.

فیلم سـینمایی «آزادراه» داسـتان زندگی طلبگـیِ روحانی جوانی اسـت کـه درگیر یک موقعیت تراژیک و عاشـقانه می‌شـود.این طلبه جوان که قصد ازدواج با خواهر یکی از دوسـتان قدیمـی اش را دارد به طور اتفاقی وارد ماجرای قتلی ناخواسته می شود.قتلی که برادر دختری که روحانیِ قصه خواهان اوست به انجام می‌رساند.

این اتفاق باعث می‌شود تا روحانی در مسیری ناخواسـته و دشـوار میان برگزیدن راه ایمان و صداقت و یا مصلحت شخصی و پیگیری بی دغدغه ادامه زندگی و ازدواجش با خواهر قاتل قرارگیرد.طلبه قصه «آزاداراه» که بنابر توصیه‌های پدر دختر مورد علاقه اش مجبور است در فضای طلبگـی به قصد ورود به جرگه قضاوت تحصیل کند، با رخ دادن این اتفاق بر سر دوراهی اعتراف و انکار و انتخاب بین عشق و ایمان قرار می گیرد.و این دوراهی سخت، بستری می‌شود بـرای روایت فیلم و ماجراهایی که برای روحانی قصـه پیـش می‌آید و او را بـه فرجامی تراژیک منتهی می‌سـازد. فیلـم «آزاداراه» چه به جهت محتوایی و چه به لحاظ شکلی حایز نقاط مثبت و منفی قابل توجهی است.

اینکه در آن تلاش شـده اسـت شخصیت روحانی، یک کاراکتر نجیب و فروتن و مودب به نمایش گذاشته شود و در پرداخت فضای طلبگی این سعی و کوشش رخ داده تا حوزه علمیه فضایی برای بارآمدن انسان‌هایی باوجدان و دغدغه مند نمایش داده شود از جمله این مواهب است.

شاید شاخصه اصلی و نقطه قوت جدی فیلم هـم در همین حس «وجدان» پـاک و روحیه صداقت جویی و انسـانیتی باشـد که در طلبه جوان موج می‌زند و پس از کش و قوس‌هایی که به دنبال واقعه قتل برایش رخ می‌دهد در نهایت منجـر به اعتراف او به معاونتش در گناه و عبور از علقه شخصی و رهیدن در صحرای آزادگی از بند تعلقات فردیش می‌شود.

اما این همه ماجرا نیسـت و فیلم به لحاظ برخی ویژگی‌های محتوایی و ایرادهای شـکلی، جای تأمل و تعجب دارد. اینکه چرا طلبه قصه که با دختر رابطه دارد و به گشت و گذار می‌پردازد و... این موقعیتش در حالی اسـت که از فحوای فیلـم برمی آید هنـوز با او عقد نکـرده و مادر دختـر هم اصرار بر این امر دارد و در عین حال نشانه دیگری هم بر این امر موید است و آن این کـه طلبه پس از رهـا نمودن دختر، او را از عقد احتمالی خود در نمی‌آورد!

دیگـر اینکـه چرا طلبـه در مواجهه با مرد سوهان فروش و درد دل با او به گذشتن از خود و توجه به ایمان قلبیش سـفارش می‌شود و در برابر استادحوزویش توصیه به مصلحت طلبی و عافیت گرایی می‌گردد؟!

نکته دیگر اینکه اساسـا چـرا همه چیز به دوری از حـوزه و نوعـی فـرار از موقعیت ختم می‌شـود و طلبـه به جای اینکه بـا مقاومت در جایگاه حقیقیش یعنی طلبگی به حل مسئله و استعانت از فضای طلبگی و یاری طلبیدن از همه داشته‌های ایمانی و معرفتی خود در آوردگاه حوزه بپردازد، دوری گزیدن از جامعه و پناه بردن به کوه و بـه عبارتی از عبور از حوزه را تنها راه رهایی و تأمـل گزینی خویش قرارمی دهد و در فیلم هم بسیار بر آن تأکید می‌شود؟

نکتـه دیگر اینکـه چرا در ترسـیم فضای طلبگی، این موقعیت تا این حد، ایزوله و به دور از جامعـه و عرفیات و ویژگی‌های عادیش جلوه داده می‌شود و طلبه به عنوان تافته‌ای جدابافته از مردم تلقی می‌گردد؟

رفتن به پارک و سـینما و گـوش دادن به موسـیقی و حتی قدم زدن در خیابان به عنوان نـکات منفـی برای یـک طلبه آن هـم از زبان روحانی فاضل مدیرمدرسه و استاد اخلاق عنوان می‌شود!آیا به تصویرکشیدن چنین وجهی از حوزه و طلبه و طلبگی، خدمت به روحانیت است یا...؟!

در نیت خیر سازندگان این فیلم بحثی نیست و نگارنده خود را مجاز به اظهارنظر در این حوزه نمی‌داند که فقط خداسـت که از نیات درونی ما انسان ها آگاه است. اما به راستی سازندگان این فیلم که ایده اولیه خوب و باقابلیت و جذابی هم داراسـت نمی‌توانستند با دقت نظر و حساسیت بیشـتر و البته بهره بردن از نظارت و راهنمایی خود حوزویان به نتایج مطلوب تری دست یابند؟

بگذریم از نکات سـطحی تـری مثل نحوه عمامه گذاری و نوع پوشـش طلبه‌های فیلم که تا حدی دفرمه و ناشـیانه و معلوم است از دقت و حساسیت لازم برخوردار نیست که البته شاید غرضی هم در کار نبوده و سهوا رخ داده است.

«آزاد راه» ایـده اولیـه جذابی داشـته که متأسـفانه به دلیل این ویژگی‌های متنی و البته خیلی از نقایص ساختاری مثل ریتم کند و روایت خسته کننده و فیلمنامه ضعیفش آنچنان که باید و شاید کار قابل دفاعی از آب درنیامده است.

و این همه در حالی اسـت که طلبه فیلم نه تنها به حقیقتِ طلبگی آن هم در دوران معاصر نزدیک نمی‌شود بلکه بیشتر در رفتارهای ظاهری مثل دسـت به سینه ایستادن و نجابت سطحی و مصنوعـی و نیز نوعی از فردیت سـاده لوحانه خلاصه می‌شود.

و ایـن یعنی نقض غرض از سـاخت چنین فیلمی با- احتمالا- چنان هدفی.

درباره اظهارات اخیر ابراهیم حاتمی کیا

مسیر برادری

■ حسین کارگر

یکی از حاشـیه‌های مهم سـینمای ایران در سـال ۹۲ رونمایی از فیلـم «چ» و متعاقب آن قرار گرفتـن ابراهیم حاتمی کیـا در مقام منتقد جدی سیاست‌های فرهنگی و هنری دولت بود.

این سوال برای بسیاری پیش آمد که چه شده که مرد آرام و سر به زیر سینمای ایران که معمولا سکوت را بر هیاهو ترجیح می‌داد، ناگهان نسـبت به مسائل، فعال و حساس شد؟ آیا حاتمی کیا تغییر کرده و یا شرایط به گونه‌ای شده که به او اجازه سکوت و انفعال را نمی‌دهد؟

حاتمی کیا یکی از پدیدآورندگان سـینمای نوین ایران در سـال‌های پس از انقلاب اسلامی بود. سینمایی کـه هنوز هم زنـده ترین و پویاترین جریان سـینمایی ایران محسوب می‌شود؛ سینمای دفاع مقدس. سینمایی که یکی از دلائل وجودش، حضور و ظهور امثال ابراهیم حاتمی کیا بود. ابراهیم حاتمی کیا یکی از جریان سازترین فیلمسازان تاریخ سینمای ایران بوده است. فیلمسازی که با حدود ۳۰ سال فعالیت در عرصه سینما، با ثبت آثاری منحصـر به فرد و بحث برانگیز، بـه کارگردانی مولف و صاحب سبک تبدیل شده است. با این حال، طی یک ماه گذشـته، حاتمی کیا از موقعیت یک فیلمساز فراتر رفته و تبدیل به نمـادی از مقاومت فرهنگ بومی – انقلابی در برابر مناسبات وارداتی غالب بر سینما شده است. هم أثر اخیر او «چ» و هم آنچه درباره فرهنگ، هنر و سینما بیان می‌کند، سـخن دل همه دلسوختگان هنر ارزشی و معترضـان به غرب زدگی اسـت. اتفاقی که با واکنش منفـی جریان‌هایی که از وضع موجود سـینما منفعت می‌برند مواجه شده است. هم باندهای خزنده و مافیایی که نمایندگانشان در همه دولت ها صحنه گردان سینما بوده‌اند و نیز دسـت انـدرکاران دولت کنونی، رفتارهای اخیر حاتمی کیا را نمی‌پسندند و در رسانه‌های خود نیز به طور آشکار به وی حمله می‌کنند.

برخی به حاتمی کیا معترض شده‌اند که چرا سال ها سکوت کرده و امروز سخن به اعتراض گشوده است. اما این موضوع هم غیرواقعی اسـت. هنوز نامه حاتمی کیا به سیدرضا میرکریمی در سال ۹۰ را فراموش نکرده ایم که در آن نامه چگونه به جریان سـینمای جشنواره‌ای و سـردمدار این جریان یعنی اصغـر فرهادی حمله کرده بود. او در این نامه با کنایه به فرهادی از کسانی که «در صفِ سفارتِ خرس‌نشان می‌ایستندو به همه مهر دروغ می‌زنند» انتقاد کرده بود.اما شروع دوباره حاتمی کیا را باید مراسـم به یادماندنی بزرگداشت او توسط فرزندان شـهدا دانست. جایی که بغض این کارگردان در أثر ابراز احساسـات فرزندان شهدا شکست و در میان افرادی که آن ها را محرم خود می‌دانسـت گریسـت. همان جا بود که برخی فرزندان شاهد با خواهشی توأم با نقد از «عمو ابراهیم» خود خواستند که پیش آن ها بمانند.

امـا اکران فیلم «چ» آغاز امواج حمایت و حمله به حاتمی کیا شد. این فیلم بیش از آنکه به شخصیت اصلی فیلم، یعنی شهید چمران بپردازد، به قهرمان بزرگ تری پرداخته است؛ ولی فقیه. فیلم «چ» به صراحت، ولایت را منجی کشور معرفی می‌کند. علاوه بر این، در فیلم بارها گفته می‌شود که «ما اهل مذاکره و صلح هستیم، اما نه به هر قیمتی» که گویا این گفت وگوها چندان خوشایند مسئولان دولت نیست. شـاید دلیل اینکه در اختتامیه مهندسی شده جشنواره امسال هیچ جایزه‌ای به حاتمی کیا داده نشد نیز به محتوای متفاوت فیلم «چ» برگردد. هرچند که عده‌ای هم معتقدند، اظهارات حاتمی کیا در حاشیه نشست پرسش و پاسخ فیلم «شیار ۱۴۳» در تالار همایش‌های برج میلاد، یکی از دلائل بی مهری مدیران سینمایی به این کارگردان باشد. زیرا حاتمی کیا در آن نشسـت و در جمع خبرنگارها اظهار تعجب کرد که چرا فیلم خوبی مثل «شیار ۱۴۳» ابتدا در جشنواره پذیرفته نشـده بود. اظهاراتی که با واکنش تند سخنگوی هیئت انتخاب جشـنواره فجر مواجه شد. علی معلم که یکی از هوادارهای رسانه‌ای دولت یازدهم محسوب می‌شود، در نامه‌ای سرگشاده، موضع حاتمی کیا را قیم مآب معرفی کرد! امـا واکنش‌های تخریبی دولتی ها علیه کارگردان «چ» به همین نامه محدود نشد. پس از این اتفاقات ، به ویژه انتقادات تند حاتمی کیا از مدیریت فرهنگی دولت در مراسم اکران فیلم «چ» در دانشگاه تهران باعث شدت حملات رسـانه‌های دولتی علیه او شـد. حاتمی کیا در این مراسم گفت: «آقای روحانی! فرهنگ مردانی بزرگ می‌طلبد نه کسانی که ۲۴ ساعت هم پای حرف‌هایشان نایسـتند.»این جریان با برگزاری سـومین هم اندیشی سـینمای انقلاب ادامه یافت. در آنجا هم حاتمی کیا باز هم به نقد جشنواره فجر پرداخت. او در این مراسم گفت: «من به جشنواره معترض شدم و به اینکه سیمرغ نگرفتم متهم شدم. این کج‌اندیشی احتیاج به روشنگری دارد و من همچنان پافشاری می‌کنم که جریان جشنواره فیلم فجر در این سالیان سال از جریان انقلاب اسلامی فاصله گرفته است.پیشـنهاد می‌کنم نام جشنواره فیلم فجر را تغییر داده و آن را به نام جشنواره ایرانی نام‌گذاری کنیم.»

نکته جالب، نوع واکنش مسـئولان ارشد دولت به این اظهارات بود. به طوری که حسام الدین آشنا، مشاور فرهنگی رئیس جمهور در اظهاراتی تهدید آمیز گفت که بهتر است حاتمی کیا «مراقب» خودش باشد!

تلاش برای اکران فیلم «گزارش یک جشن» آخرین تـلاش مذبوحانه این طیف برای ایجاد تفرقه میان حاتمی کیا و دوسـتداران واقعی اوسـت. در آخرین روزهای سـال گذشته اعلام شد که سازمان سینمایی قصد دارد تا این فیلـم را برای نمایندگان رسـانه‌های جمعی و منتقدان سینما اکران کند.

بـه جز این، برخی از رسـانه‌های دولتی و اجاره‌ای نیـز طی گزارش‌هایی به یادآوری انتقادات اصولگراها به «گزارش یک جشن» پرداختند. چنین اقداماتی درواقع نوعی تلاش برای به جان هم انداختن اعضای یک خانواده محسـوب می‌شود. هرچند که اکران این فیلم به تعویق افتاد، اما واقعیت این است که حتی در صورت اکران آن فیلم نیز برادرها برادر خود را تنها نخواهند گذاشتند.